

راهکارهای تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی در پرتو نقل و عقل با رویکرد جامعه افغانستان

محمد جواد عرفانی^۱

چکیده

وحدت و همگرایی یکی از عوامل موفقیت، پیروزی، عزت و عظمت یک جامعه و کشور می باشد اما با کمال تأسف امروزه مهم ترین فرایند سیاسی در ارتباط با جوامع اسلامی روابط منازعه آمیز دولتهای اسلامی است، این منازعه هم در سطح داخلی یک کشور میان قومیتها و فرقه های مختلف جوامع اسلامی وجود دارد که منشأ آن برتری جویی، انحصار طلبی، اختلافات مذهبی و... می تواند باشد و در سطح بیرونی در تعاملات سیاسی بین دولت ها و ملت ها نیز نمود و ظهور داشته است. وجود این منازعه چه در سطح داخلی و چه در سطح بیرونی ثمره ای جز ذلت، حقارت و شکست در عرصه های مختلف زندگی، چیزی دیگری نمی باشد؛ لذا در مقاله حاضر تحقیق پیرامون تقریب و ایجاد همگرایی در کشور های اسلامی صورت گرفته و با تبیین مفاهیمی از قبیل: تقریب، همگرایی، وحدت و با طرح پرسش اصلی و فرعی که عبارت است از: راهکارهایی تقریب و همگرایی، ضرورت آن از نگاه عقل و نقل و ارائه راهکار مبتنی بر

^۱. فارغ التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه، erfanimjawad@gmail.com

آیات و روایات با رویکرد مشکلات کشور افغانستان پاسخ داده شده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که ایجاد تقریب و همگرایی از نظر عقل و نقل امر ضروری و غیر قابل انکار است. و عزت، اقتدار ملی، سیاسی و فرهنگی یک کشور در گرو اتحاد، همگرایی و اخوت اسلامی می باشد. و برای برون رفت از تفرقه، اختلاف و رفع واگرایی، راهکارهایی متعدد مطرح گردیده.

کلید واژه: تقریب، همگرایی، وحدت، قرآن، سنت و عقل.

مقدمه

بدون تردید وحدت و همگرایی یکی از عوامل موفقیت، پیروزی، عزت و عظمت یک جامعه و کشور می باشد اما با کمال تأسف در جهان اسلام و بخصوص در کشور افغانستان که جزء کشورهای اسلامی می باشد آنچه مشاهده می کنیم نقطه ی مقابل وحدت و همگرایی، واگرایی، یعنی اختلاف، نفاق و فتنه های ریشه دار که طبعن ثمره ی آن، جز ذلت، حقارت و شکست در عرصه های مختلف زندگی، برای جوامع اسلامی چیزی دیگری در پی ندارد مشاهده می کنیم مسلماً آتش بیار معرکه ی این اختلافات و فتنه انگیزی ها در جهان اسلام دشمنان جوامع اسلامی هستند که با سیاست های استعماری و تربیت کردن گروه های تندرو، تحت عناوین مختلف با القاب اسلامی در کشور های اسلامی، مسلمانان را به جان هم انداخته است و در یک کلام دشمنان اسلام برای تضعیف و تسلط بر کشورهای اسلامی همه ی امکانات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود را در صحنه ی بین المللی بکار گرفته اند؛ لذا برای نجات از نقشه های شوم دشمن و رسیدن به عزت و استقلال سیاسی، فرهنگی و... نیاز به تقریب و همگرایی می باشد.

بنا بر این دستیابی به چنین امر مهمی (تقریب و همگرایی) نیاز به راهکارهای اساسی دارد که در مقاله حاضر، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

مقاله مورد نظر در یک چار چوب نظری به چند پرسش پاسخ داده است:

یک: پرسش اصلی این است که راهکارها برای تقریب و ایجاد همگرایی اقوام و مذاهب اسلامی بخصوص در افغانستان چیست؟

دو: پرسش فرعی، مقصود از تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی چیست؟

سه: تقریب و همگرایی چه ضرورتی دارد؟

۱- پیشگامان تقریب

موضوع وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، یکی از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می آید. از نظر تاریخی به خوبی روشن است که پیشرفت مسلمانان در پرتو همدلی و وحدت آن ها و عقب ماندگی و شکست آنان در عرصه های گوناگون سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و... نتیجه ی اختلافات و پراکندگی میان آنان بوده است، تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی از مقوله هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بوده و تا گسترش واقعی اسلام بر تمام عالم ادامه پیدا خواهد کرد؛ لذا در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و عالمان دینی بزرگی وجود داشته اند که در راستای حفظ اقتدار، عزت، ترقی و تعالی مکتب حیات بخش اسلام برای ایجاد صلح و مدارا میان مسلمانان و سازگاری مذاهب اسلامی کوشیده اند. مصلحان، عالمان و روشنفکران زیادی اعم از شیعه و سنی به مقوله وحدت اسلامی توجه داشته اند که از جمله این بزرگان می توان به افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، آیت الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و... اشاره نمود. این شخصیت های برجسته ی جهان اسلام، اتحاد و همبستگی ملتها و فرقه های اسلامی را در اوضاع و احوال که دشمن از همه طرف به آنها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و تولید اختلافات نوین است از ضروری ترین نیازهای اسلامی می دانستند و میدانند، که با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگی میان امت اسلامی برای ایجاد سازگاری بین فرق و مذاهب اسلامی تلاش

فراوان کرده انده سید جمال الدین اسدآبادی (۱۲۷۵-۱۲۱۷ش): عالم روشنفکر بود که برای تقریب مذاهب اسلامی، سفرهایی به مناطق مختلف جهان اسلام انجام داد. آیت الله بروجردی: (۱۲۵۴-۱۳۴۰ش) مرجع تقلید شیعه بود. حمایت از دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، توجه به فقه مقارن و معرفی فقه شیعه به اهل سنت از اقدامات تقریبی او به شمار می رود.

شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ق): عالم اهل سنت و از اساتید دانشگاه الازهر در مصر بود. او از مؤسسان دارالتقریب المذاهب الاسلامیه بود، صدور فتوای جواز عمل طبق فقه شیعه، کرسی تدریس فقه مقارن و ارتباط با علمای شیعه از اقدامات تقریبی او بود. همچنین در این مجموعه، امام موسی صدر، محمد عبده، محمد غزالی، محمدحسین کاشف الغطاء، سید قطب، محمدجواد مغنیه و ... از پیشگامان تقریب معرفی شده اند. (آذر شب ۱۳۸۴/ ۱۸۲)

تأسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در قاهره با حضور مرحوم شیخ محمدتقی قمی در قاهره و پیوستن علمای بزرگ شیعه؛ مانند شیخ جعفر کاشف الغطاء، شرف الدین، ملاصالح مازندرانی، آیت الله العظمی حکیم، علامه هبه الدین شهرستانی، علامه سیدمحسن امین عاملی - رحمهم الله - به آن، همچنین حمایت آیت الله العظمی بروجردی؛ از این طرح و همکاری او با علمای الازهر؛ مانند شیخ محمد شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ سلیم البشیری، شیخ الباقوری و... روابط حوزه ی علمیه قم و جامعه الازهر را عمیق تر کرد، تاجایی که الازهر کتب شیعه، مثل «مجمع البیان» طبرسی و «المختصر النافع» محقق حلّی را به طبع رسانید و فتوای معروف به رسمیت شناختن شیعه از سوی شیخ محمود شلتوت، شیخ بزرگ الازهر صادر شد ولی پس از دو دهه، این حرکت به علت فوت برخی از رهبران آن، کند شد و مجله خوب آن؛ یعنی «رساله الاسلام» پس از چاپ شماره ی ۶۰ آن، متوقف شد. تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در تهران در ادامه ی فعالیت های دارالتقریب، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به فرمان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای این مجمع، از

ابتدای تأسیس، گام های بلندی را در راه تقریب برداشته و فعالیت های زیادی کرده است و از آنجاکه دعوت به تقریب، دعوتی منطقی، هماهنگ با روح کتاب و سنت و منسجم با تعالیم پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده و هست با موفقیت های بسیاری همراه بوده است.

۲- مفهوم شناسی

اما ناگفته نماند که مسئله ی تقریب با چالش ها، مخالفت ها و بحران های نیز رو به رو بوده است که این چالشها بر خواسته از تفکرات تند و تعصب های بیجا و غیر منطقی از سوی بعض پیروان هردو مذهب صورت گرفته و منشأ بعض چالش ها نیز ابهام در معنی و مفاهیمی است که در این موضوع، بکار رفته است؛ لذا برای شناخت این مفاهیم، اهمیت و ضرورت آن، ابتدا لازم است مفهومی روشن از آن ارائه شود. بنا بر این ابتدا اصطلاحات از قبیل «تقریب، همگرایی و وحدت ..» که به کار می رود باید روشن گردد:

۲-۱- چیستی تقریب

تقریب اسم مصدر به معنای نزدیک کرد و نزدیک گردانیدن است. (انوری، ۱۳۸۱:

(۳)

همچنین گفته شده است واژه «تقریب» از باب تفعیل و از ماده «قرب» به معنای نزدیک و نزدیکی اخذ شده است، چنانکه گفته اند: «قرب» اصل صحیح یدل علی خلاف البعد» در جای دیگر آمده است: چنانکه گفته شده: «قرب: اصل صحیح یدل علی خلاف البعد» (ابن فارس، ۵ / ۸۰). «القرب نقیض البعد» بنابر این قرب (نزدیکی) عکس بعد (دوری) است و تقارب (نزدیک شدن به یکدیگر) ضد تباعد (دوری جستن از یکدیگر است). الاصمعی: «إذا رفع الفرس یدیه معا و وضعهما معا، فذالک التقرب» (ابن منظور، ۱۱ / ۸۲-۸۵)

تقریب مذاهب اسلامی در اصطلاح کوشش جدی برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب از راه درک اختلاف های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلاف ها و نه اصل اختلاف ها. به عبارت دیگر تقریب نزدیک کردن دیدگاه ها و هماهنگی مواضع مسلمانان است. (خسروشاهی، ۲۲/۱۳۸۹).

از تعریف اصطلاحی و لغوی تقریب می توان نتیجه گرفت که مقصود از تقریب مذاهب اسلامی، تقریب پیروان مذاهب اسلامی است یعنی از راه بحثهای علمی، کلامی، تفسیری، حدیثی، اصولی و فقهی، با اجتماع عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای طرح مسائل نظری اجتهادی در فضای سالم و به دور از تعصبات، تقریب امکان پذیر است یعنی تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی را فراهم سازند.

۲-۲- چستی همگرایی

برای همگرایی، تعاریف متعددی ارائه شده است که بعض آنها ذیلا ذکر می شود:
در معنای همگرایی گفته اند: همگرایی عبارت است از پیوستگی و نزدیکی اعضاء یا اجزای یک مجموعه به یکدیگر، مقابل واگرایی، (انوری: ۸ / ۸۴۱۱)

الف) همگرایی عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدفهای مشترک، صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی میکنند. (قوام، ۱۳۷۰ / ۲۲۳).

ب) همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزاً ترغیب می شوند تا وفاداریها، فعالیتهای سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولتهای ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند و یا چنین صلاحیتی را می طلبند. (پیشداد، ۱۳۸۳ / ۲۴).

ب) همگرایی، تبیینی برای برخی فرایندها در روابط بین الملل و نسخه ای برای برطرف ساختن ستیزهای جهانی و منطقه ای است. (گریفیتس، ۱۳۸۸/۱۱۰۰)

د) همگرایی در علوم سیاسی عبارت است از فرایندی که در آن، دولت ها یا واحدهای سیاسی برای دست یابی به اهداف مشترک شان، داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به مرکزی فراملی واگذار می کنند؛ به عبارتی دیگر، همگرایی، بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه های ارتباطی واحدهای گوناگون، با حذف عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی گرایانه، به سود اهداف جمعی و منافع مشترک، به حدی به هم نزدیک می شود که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می گردد. (ولایتی و سعید محمدی: ۱۳۸۹/۱۵۳).

نکته قابل یادآوری این است که در مباحث تقریب و وحدت کسانی که قلم زده است یا سخن رانده است از واژه «همگرایی» خیلی استفاده نکرده اند به عنوان نمونه امام خمینی (ره) از بنیان گزاران تقریب، بیشتر تعبیری مانند: تفاهم، وحدت کلمه، امت اسلامی، همسویی و همکاری، متحد، اتحاد، اتفاق، مسلمانان جهان، مجتمع، تشریک مساعی، اعتصام بحبل الله، جهان اسلام، ممالک اسلامی و... به ویژه برادری و اخوت اسلامی را به کار برده اند. (فولادی، ۱۳۸۷/۱۲۶). که همگرایی، یکی از آن مقاصد است.

با استفاده از معنای لغوی همگرایی و تعاریف متعدد که مطرح گردیده به نظر می رسد آنچه که غرض علماء و مصلحان بزرگ از اتحاد یا وحدت مسلمانان تاکنون بوده است، همگرایی پیروان مذاهب اسلامی است. یعنی پیوستگی و نزدیکی مجموعه مسلمانان؛ زیرا آنچه از این واژه به ذهن می آید همسویی و هم جهت شدن مسلمانان برای اهداف مشترک است والا معنایی غیر از این که عبارت باشد از حصر مذاهب به یک مذهب یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نه امکان پذیر است و نه هدف کسانی است که ندای اتحاد مسلمانان را سر داده اند، بلکه منظور این دانشمندان، متشکل

شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترک.

در نتیجه می توان گفت: مراد از همگرایی و اتحاد، رها کردن مایه های اختلاف و اتفاق بر نقاط اشتراک و ایجاد وحدت کلمه و تشکیل صف واحد در مقابل دشمنان است.

۳-۲- چستی وحدت.

در کتب لغت واژه وحدت، از ریشه «وحد» و «يحد»، «حدة» و «واحداً» گرفته شده و معنای تنها بودن و تنهایی را می رساند. (فرید وجدی، ۱۰/ ۶۴۵) به گفته راغب «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیء است که به طور قطعی جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می گردد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن)، و در کاربردهای فارسی نیز یگانگی، یگانه شدن و تنهایی را معنا می دهد. (دهخدا، ۴۸/ ۱۳۲)

به تعبیر دیگر وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق. و اصطلاحات دیگری همچون؛ انسجام، اتحاد، وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می باشد و در اصطلاح یعنی برنامه ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله ای مطرح می شود (ایرانی، ۷۱/۱۳۸۸).

۳- ضرورت تقریب و همگرایی

بدون تردید همان طور که از مهم ترین مسائل امروز جهان اسلام، تقریب، اتحاد و همگرایی است، از مهمترین مسائل اجتماعی در یک کشور و جامعه نیز وحدت و همگرایی است که ضرورت آن را به دلایل ذیل می توان اثبات کرد:

۱- همانطور که اتحاد و همگرایی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می تواند تکیه گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی های فرهنگی بین تمدن ها باشد، همین امر در

بین اقوام و مذاهب اسلامی یک کشور و حتی نهاد یک خانواده نیز قابل تطبیق است؛ زیرا گرچه مسلمانان به طور کلی و یا یک جامعه و کشور به طور جزئی، از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت‌های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری مترقی برخوردارند، اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده اتحادی ایجاد نشود همان طور که در حال حاضر چنین است، این مجموعه عظیم کارآیی نخواهد داشت. (حکیم، ۱۳۷۷: ۳۱)

۲- وحدت و انسجام اسلامی می‌تواند زمینه گسترده‌ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله در رویارویی‌های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

۳- وحدت و همگرایی اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید و دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (همان: ۱۱۷)

۱-۳- ضرورت تقریب و همگرایی از دیدگاه قرآنی

موضوع وحدت و همگرایی در قرآن کریم با مفاهیمی مثل: «واعتَصِمُوا» (۱)، «تَعَاوَنُوا» (۲)، «أَصْلِحُوا» (۳)، «إِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ» (۴)، «أَلْفَ بَيْنِهِمْ» (۵)، «أُمَّةً وَاحِدَةً» (۶)، «أُمَّةٌ وَاسِطَةٌ» (۷)، «حِزْبَ اللَّهِ» (۸)، «صِبْغَةَ اللَّهِ» (۹) و «اخْوَةَ» (۱۰) آمده است. قرآن به مساله وحدت و همگرایی از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت اتحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان، افراد یک جامعه و نهاد خانواده تاکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد و برای ایجاد و برقراری چنین یگانگی، بعثت پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند.

در قرآن کریم در آیات متعدد به ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف و تفریق دستور داده شده و به آثار و پیامدهای وحدت و تفرقه اشاره شده است که با اختصار بعضی آنها ذکر می‌گردد:

الف) عدم برتری انسان ها نسبت به همدیگر جز به سبب تقوی.

از نظر قرآن کریم، انسان ها از جنس مذکر و مؤنث آفریده شده اند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) تفاوت رنگ و زبان آن ها مایه امتیاز و برتری نیست، بلکه نشانه های قدرت الهی است؛ لذا نمی توان قومی یا نژادی نسبت به قومی یا نژاد دیگر خودش را برتر حساب کنند و با این اساس حقوق سیاسی، اجتماعی و.. آنان را انکار کند بلکه بهترین راه این است که با تفاوت های که دارند کنار هم با اتحاد و همگرایی زندگی کنند.

ب) چنگ زدن به ریسمان الهی:

در سوره «آل عمران» آمده است: «واعتصموا بحبلِ الله جميعاً و لا تفرقوا...» (آیه ۱۰۳) (همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت خدا را به خود یاد کنید، آن گاه که باهم دشمن بودید و او میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و بر پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن رها کند. این آیه شریفه از مسلمانان می خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

حضرت امام خمینی (قدس سره) مطلب زیبایی پیرامون این آیات دارد که می فرماید: خداوند منان در این آیه، دستور اعتصام به «حبل الله» می دهد و ملت ها و دولت ها اگر بخواهند به پیروزی و به همه ی ابعاد هدف های اسلامی برسند، که سعادت بشر است، باید اعتصام به حبل الله داشته باشند، از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت نمایند. (امام خمینی (ره) ۱۷۰/۷)

براساس آموزه های الهی این آیه ی کریمه، هر اجتماعی مطلوب نیست، بلکه اجتماعی مطلوب است که بر محور حبل الله شکل بگیرد، بنابراین، اگر وحدتی براساس هواهای نفسانی و فقط و فقط بر مبنای خواسته های مادی و دنیوی محدود شکل بگیرد،

نمی توان آن را از مصادیق اعتصام بحبل الله شمرد.

ج) برادری در سایه ی صلح و همگرایی.

خداوند می فرماید: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةً فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات ۴۹ آیه ۱۰) یعنی مومنان با هم برادرند، میان برادرانتان صلح برقرار کنید و خدا ترس و با تقوا باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید.

بنابراین، عمل کردن به همین آیه، سبب تقویت و گسترش همدلی، ایجاد همگرایی، محبت و صمیمیت در جهان اسلام می شود؛ اگر در جهان اسلام نگاه برادرانه حکم فرما باشد، جهان اسلام به «مملکت محمدی» تبدیل می گردد و در نتیجه، سبب می شود بیگانگان نتوانند تفرقه ایجاد کنند و بر کشورهای مسلمانان سلطه داشته باشند. (امام خمینی(ره)، ۶/ ۲۷۵)

د) ایجاد رابطه و تعامل با غیر مسلمانان

خداوند در قرآن کریم مسلمانان را موظف به ایجاد رابطه و تعامل با غیر مسلمانان و اهل کتاب که در جامعه اسلامی زندگی می کنند، نموده اند؛ زیرا که زمینه این تعامل در جامعه وجود دارد می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا الشَّهَادَا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران آیه ۶۴) بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرند؛ پس اگر از این پیشنهاد روی گردانند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم .

ه) تقریب و همگرایی فلسفه ی بعثت و تشریع دین.

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» (بقره، ۲۱۳) «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد. تا میان مردم در آن چه که اختلاف داشتند، داوری کند.»

(و) اتحاد و همگرایی در سایه اطاعت از خداوند و رهبری.

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)

و از خداوند و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و مهابت و قوتتان از بین می‌رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است. (قرآنی، ۳ - / ۳۳۰)

اتحاد و یکپارچگی، دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدد به آن فرمان داده است و این فرمان باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، مخصوصاً در حال جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد. در طول تاریخ، چه ضعف‌ها و شکست‌هایی که به خاطر عمل نکردن به این آیه، نصیب مسلمانان شده است.

۲-۳- ضرورت تقرب و همگرایی در روایات.

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) برای همیشه به عنوان یک الگوی انسان کامل برای جوامع اسلامی و دنیایی بشریت است؛ زیرا پیامبر رحمت^۱ للعالمین است. هیچ نبی و کتابی همانند پیامبر اکرم و قرآن کریم نبوده‌اند که آن قدر به این رمز سعادت بشری (وحدت) تکیه داشته باشند، ولی متأسفانه جوامع اسلامی دچار تشتت و پراگندگی شده‌اند و امروزه دشمنان اسلام آتش تفرقه را در کشورهای اسلامی روشن نموده و مسلمانان را درگیر جنگ‌های مذهبی و اعتقادی کرده‌اند که سبب ذلت و حقارت ملت‌های مسلمان شده است.

همانطور که در آیات قرآن سخن از وحدت، اخوت، محبت، همگرایی و... به میان آمده، در روایات الی ماشاء الله به این موضوع پرداخته شده است که چند تا روایت را در این موضوع متذکر می شویم

۱-۲-۳- همگرایی و هم دردی

از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ، وَ تَوَادِّهِمْ، وَ تَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى» یعنی مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می کنند.(مختصر صحیح البخاری، ۵۸۷/۲، باب دهم، حدیث ۱۹۹۵)

در حدیث دیگری از پیامبر روایت شده است « الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ...» یعنی مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس رسول الله انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند(و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند)...» (مختصر صحیح البخاری، ۵۹۰/۲، باب شانزدهم، حدیث ۲۰۰۳)

روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ إِنْ اشْتَكَى عَيْنَهُ اشْتَكَى كُلُّهُ وَإِنْ اشْتَكَى رَأْسَهُ اشْتَكَى كُلُّهُ» (پیشین، زادالطالبین، ص ۸، به نقل از مسلم) شخص مؤمن مانند مرد واحدی است اگر چشمش شکایت کند تمام اعضای بدنش شکایت می کند و اگر سرش شکایت کند، تمام اعضای بدنش شکایت می کند.

۲-۲-۳- وحدت موجب برکت و رحمت الهی

پیامبر اکرم(ص)فرمودند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ».(نهج الفصاحه، کلمه ی قصار ۳)جماعت و وحدت مایه رحمت الهی و تفرقه باعث عذاب الهی است. و در حدیث دیگر می فرمایند: «يَدَالله عَلَى الْجَمَاعَةِ».

در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «وَأَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ» با سواد اعظم (اجتماع و جمعیت) همراه شوید. (بی آزا شیرازی، ۳۹/۲)

۳-۲-۳ عقد برادری، سیره رسول خدا(ص)

هنگامی که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه هجرت فرمودند و مسجدی بنا نمودند و آن را مرکز حکومت قرار دادند، بین مسلمانان مهاجر و انصار عقد اخوت ایجاد کردند تا نخستین بذره‌های امت اسلامی در مزرعه‌ی عطوفت و برادری بروید، ببالد و به بار بنشیند. و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، اخوت بین مؤمنان برقرار شد بر این مبنا، عقد اخوت، یکی از سنت‌های پیامبر خدا(ص) است که لازم است جهان اسلام و همه‌ی مسلمانان جهان در این سنت هم به آن حضرت اقتدا کنند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

امام صادق(ع) می‌فرماید: «تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا إخوة أبرارا كما أمرکم الله» (عزوجل)؛ با یکدیگر پیوند داشته باشید و خوش رفتاری و مهربانی نمایید و برادرانی نیکوکار باشید، همان گونه که خدای عز و جل فرماتنان داده است. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۷۵ وسائل الشیعه: ۲۱۶/۱۲)

در این روایت، از امت اسلامی خواسته شده است که براساس دستور خداوند، به یکدیگر رحمت و محبت داشته باشند (فتح: ۲۹) و برادر هم باشند. (حجرات: ۱۰) عمل به این دستور الهی، که بیان‌کننده‌ی اعتقاد توحیدی مسلمانان است، از عوامل مهم ایجاد تقرب و تثبیت همگرایی در جهان اسلام به شمار می‌رود.

۳-۲-۴ جد و جهد در همگرایی.

امام خمینی(ره) در کتاب شرح چهل حدیث می‌نویسند:

امام صادق(ع) می‌فرماید: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الاجتهاد في التواصل والتعاون على التعاطف و المواساة لأهل الحاجة و تعاطف بعضهم على بعض حتى تكونوا كما أمرکم

الله عز و جل رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» شایسته است مسلمانان در پیوستن به یکدیگر و یاری کردن و محبت و مواسات با نیازمندان و مهربانی با هم بکوشند تا همچنان باشند که خداوند (عز و جل) از آنان خبر داده است به قول خویش که «مؤمنان با یکدیگر مهربانند». (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۱۷۵/۲)

آنچه در این حدیث شریف بر آن تأکید داریم، واژه ی «الاجتهاد» است که نشان می دهد جهان اسلام برای ایجاد و تثبیت همگرایی باید جد، جهد، تلاش و کوشش کند تا نیازها و مشکلات را برطرف سازد، نه آن که فقط به سخن گفتن بسنده نمایند یا برای برادرانشان چالش بیافرینند، بلکه باید جهان اسلام در مقام عمل، با جدیت، از همه ی ظرفیت ها و امکانات خود به منظور ایجاد همگرایی و تقویت اخوت بهره ببرد.

۵-۲-۳- مکلف به همگرایی

«إياكم أن تعملوا عملاً يعيروننا به فإنَّ ولد السوء يعير والده بعمله كونوا لمن انقطعتم اليه زينا و لاتكونوا عليه شينا صلّوا في عشائركم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و لا يسبقونكم إلى شيء من الخير فأنتم أولى به منهم و الله ما عبد الله بشيء أحب إليه من الخبء قلت: و ما الخبء، قال: التقيه.» (کلینی، ۱۳۷۸: ۳/ ۵۵۵)

دلالت روایت بر وجوب، به این تقریب است که تعبیر «صلّوا فی عشائركم»، امر به نماز خواندن با اهل سنت است و هیئت «افعل» (صیغه ی امر) براساس بعضی مبانی، می تواند دلیل بر وجوب باشد. توضیح استدلال این است که بدون شک، صیغه ی «افعل» بر مطلوبیت و محبوبیت فعل نزد شارع دلالت می کند؛ حال بحث در این است که آیا ظهور در وجوب یا استحباب یا جامع بین این دو دارد. از نظر مشهور، صیغه ی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت می کند، ولی از نظر امام خمینی (ره)، صیغه ی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت نمی کند، بلکه به حکم عقلا بر وجوب دلالت می نماید، به این دلیل که نزد عقلا، اطاعت امر لازم است تا زمانی که از جانب مولی ترخیص و جوازی وارد شود و لزوم

اطاعت را بردارد، یعنی عقلاً صدور صیغه ی «افعل» را حجت عقلایی می دانند و اطاعت از آن را لازم و مخالفت کننده با آن را مستحق عقاب برمی شمردند. براساس این مبنای امام خمینی (ره)، جمله ی «صلّوا فی عشائره» در روایت هشام، بر وجوب نماز با عامه دلالت می کند، گر چه اوامر بعدی، یعنی «عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازهم» به دلیل وجود قرینه، ظهور در وجوب ندارد و بر مشروعیت یا استحباب این موارد دلالت می کند، چون به مناسبت حکم و موضوع، احتمال وجوب عیادت بیماران و شرکت در تشییع جنازه ی آنها داده نمی شود، ولی نسبت به نماز با آنها احتمال وجوب داده می شود. (امام خمینی (ره)، ۱/ ۲۵۶)

۳-۳- ضرورت تقریب و همگرایی از دیدگاه عقل

تقریب و همگرایی از دیدگاه عقل نیز یک امر ضروری است با توجه به آثار و پیامدهایی تقریب و همگرایی و در مقابل آن آثار و پیامدهایی زیانبار تفرقه و اختلاف در جهان اسلام را مشاهده کنیم، فطرتاً عقل هر مسلمان عاقل حکم می کند که آنچه زمینه ی عزت، عظمت، شکوه و اقتدار سیاسی یک جامعه مسلمان را به ارمغان میآورد اتحاد، همگرایی و تقریب پیروان مذاهب اسلامی است.

جهت روشن شدن و به عنوان یک نمونه ی تاریخی دراین مورد به فرمایش از امام خمینی (ره) اشاره می کنم: امام خمینی از دو دیدگاه پاسخی تحلیلی و مبتنی بر واقعیت های تاریخی داده اند. زاویه ی نخست تحلیل ایشان، به پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی برمی گردد؛ اگر به حدود صد سال پیش برگردیم، حکومت بزرگ عثمانی را می بینیم که اگر چه کاملاً اسلامی هم نبود، ولی به هر حال قدرت اول جهان به شمار می رفت و «مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها، فوق تمدن ها بود؛ معنویات آنها، بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها، برجسته ترین رجال بود؛ توسعه ی مملکتشان از همه ی ممالک بیشتر بود؛ سیطره ی حکومتشان بر دنیا غالب شده بود». (امام خمینی (ره) ۱/ ۳۷۴) استعمارگران و به ویژه انگلیسی ها دیدند که با حضور این

حکومت بزرگ و مقتدر نمی توانند به ثروت کشورهای اسلامی دست پیدا کنند؛ به همین دلیل، بهترین چاره را در این دیدند که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند تا به این ترتیب، شعار معروفشان یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن» تحقق یابد. دیدند که با این سیطره، با این وحدت، بر دول اسلامی نمی شود تحمیل کرد چیزهایی را که می خواهند؛ نمی شود ذخایر این ها را، طلای سیاه این ها را، طلای زرد این ها را، قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. (همان)

براساس این تحلیل، ایجاد شکاف بین مسلمانان به اشکال مختلف، ترفند و توطئه و با اهداف سیاسی و اقتصادی بوده است؛ بنابراین اگر مسلمانان بخواهند به توسعه، رفاه و قدرت گذشته ی خویش دست یابند، لازم است دست از اختلاف بردارند و بر اشتراکات فراوانی که میانشان وجود دارد تأکید کنند.

زاویه ی دوم تحلیل تاریخی امام خمینی (ره)، به پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی مربوط می شود؛ پس از فروپاشی و تجزیه ی حکومت عثمانی، غربی ها بر هر یک از کشورهای اسلامی، کسی را گماشتند و کوشیدند حکومت های دست نشانده، دشمن یکدیگر باشند، زیرا به خوبی می دانستند اگر مسلمانان با هم همدل شوند، اجازه نمی دهند دیگران ثروت آنها را چپاول کنند.

وقتی در جنگ جهانی اول غلبه کردند، حکومت عثمانی را تکه تکه کردند و هر کس را بر جایی گماردند و کوشیدند این حکومت ها با هم دشمن شوند، زیرا می دانستند که مسلمین با این خزائن و این جمعیت اگر متحد شوند، برای امریکا و برای غرب حطی نیست. (امام خمینی (ره)، ۱۸۶/۷)

بنابراین نمونه ی تاریخی از دنیایی اسلام، شکاف و واگرایی، دلیل شکست مسلمانان در آغاز و علت استمرار شکست آنان می گردد که سبب شده است منافع مسلمانان نصیب دشمنان اسلام شود. پس لازم است جهان اسلام برای کسب و جلب منافع مادی و معنوی، در صراط مستقیم همگرایی حرکت کند. براساس این به تعبیر امام خمینی (ره)، «امروز ما

مكلف هستيم كه در هر لباس و هر شغلي هستيم، از اختلاف كلمه احتراز و به وحدت اسلامي، كه پيوسته مورد سفارش كتاب و سنت است، گرايش نموده، كلمه ي حق را عُلَيَّا و كلمه ي باطل را سَفَلَا قرار دهيم؛ (امام خميني (ره)، ۳۱۱/۴) بنابراین، برافراشتن پرچم حق در جهان، وظیفه ی مسلمانان و بدیهی است که این مهم، با اخوت اسلامی و همگرایی جهان اسلام میسر است، نه با تفرقه و تنازع؛ تا زمانی که مسلمانان و سران کشورهای اسلامی به جای مبارزه با ظالم، یاور ظالم و به تعبیر دقیق تر، کارگزار ظالم باشند، نمی توان انتظار داشت که در جهان اسلام همگرایی ایجاد یا تقویت شود؛ از این رو، باید ملت ها و نخبگان، با به کار بستن نظریه ی مقاومت، با شجاعت، شهامت و آگاهی، وارد میدان مبارزه شوند و از خطر، هراسی به دل راه ندهند.

۴- راهکارهای تقریب و همگرایی

با توجه به ضرورت این امر (تقریب و همگرایی) سوال دیگر این است که راهکارهای ایجاد تقریب و همگرایی در جوامع اسلامی به طور کلی و من جمله کشور افغانستان که سال های سال از نبود این پدیده نقلی و عقلی رنج می برند چیست؟

بدون تردید یک پارچه کردن قومیت های متفاوت ساکن در مناطق مختلف یک کشور به صورت یک واحد سازمان یافته که در آن تمامی ساکنان تابعیت و وفاداری خود را عرضه دارند، یکی از مشکلترین و در عین حال ضروریترین تکالیف برای هر کشوری است. در این میان کشور افغانستان که دارای کتله هایی قومی، نژادی، زبانی و مذهبی فراوانی است، زمینه ی گسستگی، شکاف، تنش و کشمکش های فراوانی را در این کشور فراهم آورده و یک پارچگی ملی در افغانستان را با خطر جدی رو به رو ساخته است. واقعیت تاریخی و سیاسی افغانستان آشکارا نشان داده است، نظام سیاسی این کشور در گذشته همواره بر سنت های قومی و قبیله ای استوار بوده است. از همین رو، در چالشها برای ایجاد وحدت و یکپارچگی بین مردم و فراهم سازی زمینه های همزیستی و همگرایی اقوام در چارچوب یک حکومت کارآمد، کاملاً ناکام مانده اند. همچنین، مسیر

رخدادهای سیاسی، صف بندیهای گروهی و منازعات قومی در کشور افغانستان بیانگر آن است که موضوع تضادها و نزاعها در مقاطع متفاوت تاریخی، با تأثیرپذیری از عوامل درونی و بیرونی جامعه، همواره در حال نوسان و تغییر بوده، و روح جمعی ملی، حس میهن پرستی، درک و ترجیح منافع ملی در میان مردم عامه ی این کشور وجود ندارد. بلکه هویت‌های پراکنده و غلیظ قومی، جانشین مقوله های یاد شده در این سرزمین شده اند؛ مقوله ای که همواره می تواند هم دستاویز خوب سیاسی باشد و هم مایه ی شورش ها و غائله ها؛ لذا برای رفع این معضلات و ایجاد تقریب و همگرایی در چنین جوامع باید عوامل و نیروی همگرا و واگرا را شناسایی کرد که در مقاله حاضر به موضوع همگرایی و راهکار آن پرداخته شده است.

۱-۴- دیالوگ (گفتگو).

اولین و مهم ترین راهکار جهت تقریب و همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی، فرقه های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسایل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا خیلی از مسایل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند. عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان برداشت های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه های اسلامی دارد؛ لذا اگر به دقت بنگریم در کشور افغانستان عدم دیالوگ به صورت منطقی و قاعده مند موجب جهل افکار عده ی کثیر از پیروان مذاهب اسلامی گردیده و برداشت های نادرست نسبت به عقاید همدیگر دارند. در صورت که باب گفتگو باز بشود، علماء، دانشمندان و روشن فکران پیروان مذاهب از زاویه های مختلف بحث و تبادل نظر کنند، خیلی از ابهامات و سوء ظن ها نسبت به مسائل اعتقادی همدیگر، مسائل قومی و نژادی برطرف می شود و موجب تقریب افکار

و به تبع آن دلها بهم نزدیک خواهد شد.

۲-۴- توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک:

یکی از عوامل مهمی که در جهان معاصر می تواند موجب وحدت بین دو گروه بزرگ اسلام (شیع و تسنن) بشود، توجه به نقاط مشترک بین این دو مذهب است. مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان این دو مذهب بسیار فراتر از موارد اختلاف می باشد اما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از نقاط مشترک مسلمانان است.

هم چنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می تواند باشد. اگر به صدر اسلام نیز نگاه کنیم، علت اساسی سکوت امیرمؤمنان و ائمه معصومین (ع) و همراهی با مخالفان فکری و عقیدتی، توجه به دشمن مشترک و مورد تهدید قرار گرفتن مرزهای اسلامی به وسیله دشمنان اسلام بوده است.

توجه به این دو عامل (نقاط مشترک و دشمن مشترک) همانطور که در همه ی جوامع اسلامی یک امر ضروری و حیاتی هست، در کشور افغانستان دقیقاً این دو مورد از مقوله ی های فراموش شده و یا بسیار کم رنگ است؛ لذا جهت رفع واگرایی و ایجاد تقرب و همگرایی بین مردم این کشور، توجه به نقاط مشترک و شناخت دشمن مشترک امر حیاتی محسوب می شود.

۳-۴- صدور فتاوای همگرایی

بی تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه های اسلامی نقش بنیادی در همگرایی و وحدت اسلامی دارد.

اگر مجتهدان فتاوی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر

را صادر نمایند، زمینه های همسویی مسلمانان را فراهم می کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده اند مثل:

صدور فتوای شیخ شلتوت مبنی بر جواز عمل بر مذهب شیعه، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد. (عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی . ص ۳۱۰ - ۳۱۱.۱) فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت.

اعلان ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول هر سال ایام ولادت پیامبر اسلام به عنوان هفته وحدت از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران.

جلوگیری از نشر کتاب های تفرقه آمیز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران (بی آزار شیرازی، ۵۷/۱۳۷۰)

صدور فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم نماز جماعت گزاردن شیعیان همراه با سایر مسلمانان در مراسم حج.

فتوای حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت از سوی آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران و.. خلاصه صدور فتوا از ناحیه علماء و فقهای نامدار اهل سنت و اهل تشیع تأثیر بسزایی در ایجاد تقریب و همگرایی بین پیروان مذاهب اسلامی دارد.

۴-۴- آشنایی با معارف اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت اسلامی، آشنایی مسلمانان با آموزه های دینی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده اند. (آل عمران، آیه ۱۰۳؛ تفسیر نمونه، ۳/ ۴۳). در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است: "أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةٌ..." (حجرات، (۴۹) آیه ۱۰). "واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا..." (آل عمران، آیه ۱۳). در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی نه تنها در حد تشویق و ترغیب بلکه دستور داده شده است.

یکی از عوامل مهم اختلاف، فاصله گیری از معارف و آموزه های دینی است. شخصیت هایی مانند امام راحل و علامه شرف الدین بر این باور بودند که جهت "ایجاد وحدت اسلامی" آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکته قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی "جماعة التقريب بين المذاهب الاسلاميه" که در قاهره تشکیل شد، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی آشنایی پیدا کنند.

۵-۴- شناسایی عوامل اختلاف

برای ایجاد وحدت اسلامی، همان گونه که شناخت عوامل و زمینه های همگرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه های اختلاف نیز بایسته است. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عوامل اختلاف همانند تعصبات قومی، قدرت گرایی و پیروی از هواهای نفسانی، شناسایی و با آنها مبارزه گردد. دشمنان خارجی نیز نقش بنیادی در ایجاد اختلاف داشته و دارند.

استعمارگران با شعار "اختلاف بینداز و حکومت کن" بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده اند. داده های تاریخی نشان از آن دارد که استعمارگران در حوادث ناگواری که در جهان اسلام به وجود آمدند، نقش اساسی داشتند. آنان با ایجاد اختلاف جنگ های داخلی را به وجود آوردند. حتی می توان عامل اساسی و ریشه ای ایجاد و پیدایش بعضی از فرقه ها میان اهل سنت و شیعه را استعمارگران دانست و دست های مرموز آنها را پیدا کرد.

مقام معظم رهبری در این مورد بسیار زیبا می فرماید: «گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف - هم در بین شیعه، هم در بین سنی - از آدمهایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می کنند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنی انجام می گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می کند؟ امروز دشمن واحدی در مقابل ما است؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد،

سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هردو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسئله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲۴).

بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، شناخت عوامل داخلی و خارجی اختلاف ضرورت دارد. مرحوم آیت الله بروجردی در آخرین لحظات عمر خویش یکی از راه های ایجاد وحدت اسلامی را شناسایی عوامل اختلاف دانست و چنین گفت: "من برای ایجاد حسن تفاهم میان مسلمانان آرزوهای بسیار داشتم و درصدد بودم در نامه ای به شیخ محمود شلتوت بنویسم و به ایشان یادآور شوم که موجبات رفع اختلاف را فراهم سازند". (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۷/۱۱۵)

۶-۴- حسن و تعادل در گفتار و رفتار.

یکی از عوامل مهم در حفظ وحدت و صمیمیت و برادری بین مؤمنان، رفتار زیبا، به دور از افراط و تفریط همراه با نرمی و محبت و احترام است رفتار خشن و همراه با توهین و بی ادبی، کینه، دشمنی و اختلاف را افزایش می دهد قرآن درباره رفتار زیبای پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با مردم می فرماید «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران ۱۰۳) به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند.

۷-۴- جلوگیری از توهین به مقدسات و بحث های اختلاف برانگیز

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» (الهی، ۷/۱۳۸۴) مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند.

در فرازی از حضرت علی (ع) آمده است: «وَ إِذَا سَكَتَ الْجَاهِلُ مَخْتَلَفَ النَّاسُ» (علامه مجلسی، ۱/۷۵) یعنی اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند. لقمان حکیم دل و زبان را بهترین و بدترین اعضای بدن می داند و می گوید: «اگر دل و زبان پاک باشند، بهترین اعضای بدن هستند و اگر ناپاک باشند، بدترینشان محسوب می شوند.» (حسن پور، ۱۳۳، سخن ۷۹۴)

با توجه به رویکرد بحث در این مقاله که ارائه راهکار برای تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی در جامعه ی افغانستان است، از یک مطلب مهم نباید غافل باشیم و آن عبارت است از اینکه علاوه بر اختلافات مذهبی که زمینه دخالت بیگانگان را در کشور افغانستان فراهم می کند، تکثر قومیتی و استفاده از این شکاف قومیتی نیز سهولت دخالت قدرت های خارجی در افغانستان را فراهم کرده است بنا بر این در کنار راهکارهای که ارائه گردید در جهت تقریب و همگرایی مذاهب راهکارهای را نیز در جهت رفع تهدید تکثر قومیتی و تبدیل آن به یک فرصت همگرایی و وحدت بین اقوام مختلف می توان ارائه کرد:

- ۱- سعی و تلاش در جهت تبلیغ و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و کم کردن فاصله طبقاتی بین اقوام مختلف.
- ۲- تقویت فرهنگ و دانش عمومی برای جلوگیری از تعصبات خشک مذهبی و تعامل علمی با فرهیختگان اقوام مختلف.
- ۳- رفتار مسالمت آمیز حاکمیت با اقوام مختلف، تبادل نصیحت و همیاری بر اساس نیکی و تقوا.
- ۴- تشکیل دولت متمرکز و ایجاد ثبات سیاسی و وجود دولت - ملت در یک سرزمین.
- ۵- پخش و گسترش امکانات رفاهی کشور به صورتی که دسترسی و بهره برداری از آن برای همه اقوام به طور عادلانه امکان پذیر باشد.

۶- تقویت میهن‌پرستی و میهن‌دوستی در برابر هرگونه قلمروخواهی و تمامیت‌خواهی دیگران.

۷- جلوگیری از بسط محرومیت در پست‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی. و ضرورت مشارکت دادن نخبگان اقوام در قدرت و بدنه حکومت که بر مقبولیت و اعتمادسازی میان دولت و ملت موثر است.

۸- توسعه نهادهای مشارکتی فراگیر و افزایش آگاهی میان مردم که متعلق به کشور افغانستان است.

۹- ایجاد صلح و آرامش در برقراری نظام عادلانه و کسب رضایت افراد و پرهیز از خشونت نسبت به قوم خاص .

۱۰- تاکید بر اشتراکات میان اقوام از جمله اشتراکات مذهبی، تاریخی، و فرهنگی.

نتیجه:

از مجموع آنچه نسبت به مسئله تقریب و همگرایی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت نتیجه این شد: ۱- اهمیت این موضوع در جهان اسلام با توجه به اعتقادات و مذاهب مختلفی که وجود دارد می‌طلبد که در این راستا گامهای عملی و بزرگ برداشته شود، که البته در طول تاریخ جهان اسلام مورد توجه عالمان، دانشمندان و مصلحان دینی قرار گرفته.

۲- مقصود از تقریب مذاهب اسلامی، تقریب پیروان مذاهب اسلامی است یعنی از راه بحثهای علمی، کلامی، تفسیری، حدیثی، اصولی و فقهی، با اجتماع عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای طرح مسائل نظری اجتهادی در فضای سالم و به دور از تعصبات، تقریب امکان‌پذیر است یعنی تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت‌های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی

را فراهم سازند.

۳- مراد از همگرایی و اتحاد، رها کردن مایه های اختلاف و اتفاق بر نقاط اشتراک و ایجاد وحدت کلمه و تشکیل صف واحد در مقابل دشمنان است.

۴- همچنین ثابت شد تقریب و همگرایی امر ضروری است و ضرورت این امر هم در لسان آیات و روایات و هم از دیدگاه عقل ثابت شده است.

۵- با توجه به ضرورت این موضوع دستیابی به این هدف و مقصود نیاز به راهکارهایی جهت تقریب و ایجاد همگرایی بین پیروان مذاهب اسلامی به طور اعم و در جامعه افغانستان به طور خاص می باشد که راهکارهایی مبتنی بر آیات و روایات و تحلیلهای عقلی و ذهنی ارائه گردید.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

نهج الفصاحه.

احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارت حرمین، زاهدان، چاپ اول.

آذر شب، محمد علی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. معاونت فرهنگی - تهران ۱۳۹۱.

انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۸۳۱، نشر سخن تهران، چاپ اول،

۱۳۸۱/

الهی، مولانا محمد عاشق، زادالطالبین، اداره نشر و اشاعه اسلامیات، ملتان پاکستان ۱۳۸۴

ایرانی، مصیب، «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم، ۱۳۸۸ش

بخاری، محمدبن اسماعیل، مختصر صحیح البخاری، اختصارکننده، ابوالعباس زین الدین.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، ج ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، هفدهم ربیع الاول ۱۴۰۴ قمری.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۶۵.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، ناشر: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷

پیشداد، سعید، همگرایی در سازمان اکو، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۳

حسن پور، پردل، سخنان نغزاز صاحبان مغز، ناشر: مؤلف، سراوان، چاپ اول، تابستان ۸۵.

حسینی، سیدشهاب الدین، اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک اهل سنت و شیعه، ترجمه: محمد تقدّمی صابری، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۶.

حیدری فر، مجید، مهندسی فهم و تفسیر، قم: بوستان کتاب. (۱۳۸۸)

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵ نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷
- خمینی، سیداحمد، (پاییز ۱۳۷۳)، وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصل نامه ی حضور، ش ۸.
- خمینی (ره)، سیدروح الله (بی تا)، تقریر آیت الله محمد فاضل لنکرانی، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، (۱۳۸۹) تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فولادی، محمد استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه ی امام خمینی (ره)، ماه نامه ی معرفت، ش ۱۲۶. (خرداد ۱۳۸۷)،
- (قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، ناشر، سازمان سمت، ۱۳۹۰
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، دانش نامه ی روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا و طیب، تهران، نشر نی.
- معین محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
- مهدی پور، محمود، «عوامل صفتبندی و راهکارهای وحدت اسلامی»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷، مرداد ۱۳۷۷ش
- ولایتی، علی اکبر، سعیدمحمدی، رضا، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دوفصلنامه ی دانش سیاسی، ش ۱۱
- وجدی محمدفرید، دایره المعارف القرن العشرين، ج ۷، دالفکر بیروت، بی تا.